



## مدیریت شهری با پیوست علمی، موفق‌تر است

همدان، این پایتخت تاریخ و تمدن ایران‌زمین با جاذبه‌های فراوان تاریخی و طبیعی یکی از مناطق مهم گردشگری داخلی و خارجی است که گذرگاه غرب کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین مدیریت شهری در این شهر با سابقه تاریخی کهن تنها با مشارکت بیشتر شهروندان، شناخت موانع موجود در مشارکت و ارائه آموزش به آنان می‌تواند موفق باشد. مسیر حرکت مدیریت شهری باید بر اساس مطالعات و پژوهش‌های علمی روز، پیشروی داشته باشد؛ زیرا به طور قطع بنای هر اقدامی با پیوست علمی، موفق‌تر است.

توجه مدیریت شهری به مشارکت شهروندان در اداره امور شهر به عنوان ابزاری که به وسیله آن می‌توان به توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رسید، قابل توجه است.

همراهی شورای شهر همدان به‌ویژه مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورا می‌تواند در موفقیت شهرداری به عنوان یک نهاد خدماتی در اجرای پروژه‌ها و انجام وظایف، تأثیرگذار است که با ادامه این روند کارهای موثری در راستای توسعه و آبادانی همدان به عنوان پایتخت تاریخ و تمدن ایران زمین صورت پذیرد.

### \* برگزاری اجلاس ملی با محوریت رؤسای شورای شهر

برگزاری شصت و دومین اجلاس مجمع مشورتی رؤسای شوراهای اسلامی مراکز استانها و شهرداران کلانشهرها در همدان فرصت مناسبی است تا رؤسای شوراهای اسلامی شهرها و اعضای شورای عالی استانها به وحدت رویه ای رسیده و بتوانند موارد و مشکلات شهرها که گاه در قالب مباحث قانونگذاری هم وجود دارند، تبادل نظر شود.

تأکید داریم که انتظار می‌رود از ظرفیت‌های شورای عالی استانها حداکثر و بهترین بهره‌بری را داشته باشیم که از این رو می‌توانیم مشکلات مدیریت شهری را از طریق این نهاد در کشور مطرح کنیم. در این نشست‌های ملی، می‌توان ایرادات قانونی احتمالی را از طریق شورای عالی استانها برای تبدیل شدن به قانون به دولت به مجلس و دولت انتقال داد.

در مجموع نشست‌های اینچنینی که در استانها با محوریت رؤسای شورای شهر برگزار می‌شود، می‌تواند حساسیت دولت و مجلس به شوراها و شهرداری را بیشتر کند و مواردی و مشکلات یکسان در شهرها را بررسی کرده و به اتفاق نظر کامل برای رفع آنان تلاش کنیم.

**\* درآمدهای پایدار شهری با توسعه اقتصاد شهر و کشور همراه است**  
در هر حال توسعه شهرنشینی در سراسر جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، عوارض و مسائل گوناگونی را به همراه داشته است. عمده‌ترین مسأله بر سر راه مدیریت شهری، مسائل مالی و کمبود منابع مالی پایدار است که تأمین مالی و درآمد پایدار برای شهر و استفاده از تجربه‌های بخش خصوصی، از ضروریات مدیریت شهری است.

البته همزمان باید به رفع مشکلاتی در عرصه نیروی انسانی، فنی و ظرفیت‌سازی در حوزه‌های مختلف توجه جدی نشان دهند. اگر چه محدودیت منابع مالی خود عاملی اصلی در دامن زدن به سایر مشکلات همچون کاستی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و فنی است، اما مقایسه شهرهای مختلف نشان می‌دهد که مدیریت شهری و نوآوری مدیران شهری به عنوان یک عامل تعیین‌کننده، نقشی اساسی در کاهش مشکلات مالی و مادی دارد.

درآمد ناشی از عوارض بر کالا و خدمات یکی از مهمترین درآمدهای پایدار شهرداری‌ها محسوب می‌شود و نقش بی‌بدیلی در تقویت این دسته از منابع بر ترکیب درآمدهای شهرداری دارد؛ بنابراین یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به توسعه پایدار، ایجاد درآمد پایدار برای شهرداری است.

در این صورت، تحول نوینی در درآمدهای پایدار و مدیریت نوین شهری ایجاد خواهد شد، که این امر موجب تحولات بسیار در سطح شهرها و کل کشور خواهد شد؛ امید است در اجرای صحیح قانون مالیات بر ارزش افزوده (که هم‌اکنون در مجلس در هر حال رسیدگی است) و تقویت نقاط قوت و رفع معایب آنها که موجب کاسته شدن سهم شهرداری‌ها از عوارض متعلقه می‌شود، شاهد رونق و توسعه اقتصاد شهر و در نهایت اقتصاد کشور باشیم.

## \* ضرورت عملیاتی شدن شهر دانشمحور

در ادامه باید گفت با توجه به مسائل و مشکلات روزافزون شهرها و لزوم مدیریت بر مبنای دانش، مفهوم «شهر دانشمحور» مطرح بوده و در این زمینه باور عمومی بر این است که باید تحقیق و پژوهش اولویت موضوعات مهم شهری و نحوه خدمات‌رسانی به شهروندان باشد. مرکز مطالعات و پژوهش‌های شوراهای اسلامی به عنوان بازوی علمی-تحقیقاتی مدیریت شهری با هدف مدیریت طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور انجام مطالعات برای ارائه نظرات کارشناسی و مشورتی به مدیریت شهری شکل گرفته است.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای شهر همدان هم به منظور پیشبرد برنامه‌ها و اهداف تعریف شده، به تشکیل کمیته‌های پژوهشی و تخصصی 9گانه با حضور اساتید برجسته و توانمند هیأت علمی، مدیران و کارشناسان خبره شهرداری و اعضای شورای شهر با هدف بهره‌گیری از دانش، تجربه و تخصص اساتید در راستای نیل به اهدافی همچون کمک به تبیین چشمانداز، راهبردها و سیاست‌های کاری شورای اسلامی شهر، شناسایی و معرفی دستاوردهای جدید و مطلوب برای آینده شهر و تسری آن در بدنه مدیریت شهری و کمک به حاکمیت تفکری راهبردی و آینده‌پژوهی در شورای شهر، اقدام کرده است. همچنین برنامه و طرح‌های اثرگذار در شهر به منظور بررسی ساختار شهر در تمام ابعاد، چالش‌ها و فرصت‌ها برای ارائه راهکار صحیح در راستای توسعه پایدار شهری در کارگروه‌ها و اتاق‌های فکر مطرح هستند.

## \* شورای شهر همدان پای حرف‌هایش می‌ماند

اما مدیریت شهری همدان با کمک و همراهی همه مسئولان امر و شهروندان، این شهر را به جایگاه واقعی خود - که پایتخت تاریخ و تمدن این سرزمین است- خواهند رساند و این مهم می‌طلبد تعامل و هم‌اندیشی همگان همراه با نقد و ارائه نظرات سازنده در اداره شهر جاری باشد.

همگان می‌دانند نبود نظارت مستمر و قانونمند شورای شهر می‌تواند عاملی مهم برای بروز مشکلات شهری محسوب شود؛ بنابراین نظم مدیریتی عامل بازدارنده تخلفات شهری است.

همچنین تأکید بر پیوست‌نگاری فرهنگی اجتماعی و علمی پروژه‌های شهری به عنوان یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های شورای دور پنجم شورای شهر همدان مطرح است که پای حرف‌هایمان هستیم.

تمامی اعضای شورای شهر همدان در خدمت‌رسانی به شهروندان به عنوان

نمایندگان آنها در شهر، وظیفه خود میدانند که مثمرتر عمل کند تا خدمات مناسب به شهروندان ارائه شود.  
یادداشت: حمید بادامی‌نجات، رئیس کمیسیون آموزش، پژوهش و فناوری شورای عالی استان‌ها و نایب رئیس شورای شهر همدان

---



## پیشنهاد رسانه‌های فردای همدان به استاندار

جناب آقای شاهرخی

سلام و ادب

خبر مسرت بخش انتخاب شما به عنوان استاندار استان خوبان و پارسایان دیار کهن همدان دل و جان مرا بیش از گذشته مسرور اخبار حرکت رو به جلوی زادگاهم کرد. بی شک از مردی که در مقام معاون سیاسی امنیتی استانداری در خلاقیتی بدیع استفاده از پتانسیل جوانان را در قالب حلقه مشورتی نقطه آغاز توسعه سیاسی استان می‌نماید، می‌شود انتظار داشت زمانی که در مقام عالی‌ترین مرتبه اجرایی یک استان صحبت از حضور جوانان می‌کند، در ذهن نگاه بلندی به توسعه انسانی و اقتصادی این استان دارد. جای تشکر و سپاس دارد که در نخستین اقدام سرکار خانم شهیندخت مولوردی مهمان جمع جوانان شایسته همدان شدند و مهر تاییدی بر خواست مقام اجرایی استانمان . بر توسعه سیاسی و انسانی استان زدند بی شک شما بزرگواری بهتر از بنده می‌دانید همدان ما استانی است با

فرصتها و موانع بیشمار ، فرصتهایی که باید دلسوزانه آنها را ببینیم و موانعی که باید بی تعارف و با جدیت از پیش پایمان برداریم . شما به عنوان فردی مجرب و سیاست آموخته می دانید مهمترین رکن توسعه سیاسی و حتی به جرات اقتصادی یک جامعه رسانه های توانمند آن هستند. چشمان بینا و گوشهای شنوای آن جامعه تا فرصتها را تبلیغ و تشویق کنند و موانع را با شجاعت از پیش پای توسعه بردارند .

اما متأسفانه گاهی همین رسانه های حتی مستقل گرفتار مشکل منفعت طلبی و مصلحت سنجیهای فردی و گروهی می شوند و از منافع جمعی یک جامعه فاصله می گیرند . لذا من به عنوان یک جوان و عضو کوچکی از خانواده رسانه در همدان به این نتیجه رسیدم که در استان ما رسانه ای متولد شود که محتوای آن را جوانان دغدغه مند سرتاسر استان تامین کنند و جوانانی که هر روز و هر لحظه چشم بینا و گوش شنوای عالیترین مقام استان باشند تا از فرصتها و موانع توسعه پرده بردارند .

رسانه ای که مردم استان را مخاطب قرار دهد و جوانان صحنه گردان اصلی و فعالین رسانه ای حرفه ای ممیزی و ویراستار آن باشند . این رسانه قادر است در حوزه هایی که سرتیتر مشکلات و مسایل کلی استان هستند با همت جوانان به تولید محتوا بپردازد و اگر جایی موفق شد مانع توسعه استان را شناسایی و در منظر افکار عمومی منتشر کند ، از سمت همان بخش اداری مرتبط با آن محتوای خبری منتفع گردد .

بی شک ترکیبی از حضور جوانان با سلیق مختلف از سراسر استان ، رفتار حرفه ای یک رسانه و حمایت بی شائبه دستگاه اجرایی استان برای تشویق فرصتها و شناسایی موانع توسعه استان می تواند فضای نوینی در استان خوبان استان همدان مان رقم بزند .

عرض ادب و احترام

مجیر خضریان: جوان فعال رسانه و سردبیر فردای همدان

---



## پس رای جامعه مدنی چه می‌شود؟

در حالی که به پایان مهلت قانونی حضور محمد ناصر نیکبخت در صندلی سبز استانداری همدان نزدیک می‌شویم، در محافل مختلف از نام‌های متفاوتی به عنوان گزینه‌های احتمالی استانداری نام برده می‌شود، اما در این بین و در گفتگوهای مختلف افرادی که از آنها به عنوان فعالین سیاسی و مدنی نام برده می‌شود نوعی از ناامیدی موج می‌زند؛ ناامیدی از جنس کسانی که گاهی ادعا می‌کنند تعدادی از افراد فعال در حوزه‌های سیاسی و مدنی شهر چند سال پیش شبانه و ناگهانی نیکبخت را بر صندلی سبز نشان‌دند و هرگز پاسخگو نشدند که حضور وی دقیقاً چه منفعتی برای اهداف و منافع ایشان داشته است، یا حتی در جای دیگری ادعایی هست مبنی بر اینکه کسانی از همین فعالین سیاسی و مدنی ابتدا موضع سخت و انتقادی نسبت به استاندار اصالتاً یاسوجی داشتند و حتی در تلاش برای کنار زدن وی تا پایتخت رفتن را هم قدم رنجه کردند اما باز به ادعای برخی هم ایشان بودند که در چرخشی یکباره مدافع نیکبخت شدند و باز هم در هیچ محفلی پاسخگوی افکار عمومی نشدند که چرا انتقاد و چرا دفاع همه جانبه؟ دلیل آن هرچه که بود دوران استانداری نیکبخت در کاخ سبز همدان به دلیل قانون منع بکارگیری بازنشستگان به سر آمده اما هنوز دوران قدرتمند شدن احزاب و گروه‌های سیاسی در جهت منافع استان و مردم نرسیده است. این روزها از هر فعال شناخته شده سیاسی اصلاح طلب که بپرسیم استاندار بعدی چه کسی است ظاهری حق به جانب گرفته و اعلام می‌کند من و شما انتخاب کننده استاندار بعدیمان نیستیم، حلقه فعلی یاران و مشاوران رئیس فعلی مجلس شورای اسلامی (گزینه رقابت انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰) در هماهنگی با مجمع نمایندگان استان و تنها در مشورت با بزرگان و چهره‌های تاثیرگذار شهر تعیین

کننده استاندار بعدی است و شانس گزینه های مقبول و دلخواه جامعه مدنی در این بین بسیار ضعیف است .  
بی شک من به عنوان شهروندی از این استان که همواره در انتخابات مختلف به نفع جامعه مدنی حضور فعال داشتم و در موقعیتهای مختلف از سیاسیون شهر پرسیدم پس چه زمانی موعد تمکین اراده مردم این استان یا شهر است پاسخ شنیدم احزاب در همدان موقعیت تاثیرگذاری ندارند . یک مرتبه در انتخاب مدیران شهری و رای شورا این جواب را شنیدم و این بار در انتخاب استاندار بعدی ، پس باید بپذیریم که احزاب در این شهر تنها بنر روز انتخابات هستند و بس و اگر نیستند این گوی و این میدان. در انتخاب استاندار بعدی تمکین اراده رای دهندگان را در اولویت قرار دهند .



## #عمارت نورمهال را دریابیم

به گزارش فردای همدان، حین گشت و گذار در دیار خوبان، شهر همدان در نقاط مختلف شهر، بناهایی به چشم می خورند که شاید در نگاه یک عابر ساده و بی اطلاع از هویت تاریخی پایتخت تاریخ و تمدن ایران مخروبه ای به نظر برسند که حتی بهتر آن است دیوارهای آنها را به دست بیرحم لودر و بیل مکانیکی بسپاریم تا سازه نویی جایگزین آن شود اما در نگاه مردان و زنانی که بخشی از تاریخ پربار شهر برایشان آشکار شده و از تاریخ سترگ دیار خوبان آگاهند این بناهای به ظاهر بی ارزش گنجهای گرانبهای بی بازگشتی هستند که اگر از روی ندانستن یا بدتر از آن عمد و تنها به واسطه منفعت طلبی های تلخ اقدام به تخریب آنها کنیم به گناهی نابخشودنی در برابر تاریخ و هویت این شهر دست یازیده ایم .

دریغ و افسوس که هر از چندگاهی در همدان خوبان شاهد این نابخردیها بوده ایم. چه زمانی که یک چمن هویت دار شبانه مورد هجوم لودرها قرار گرفت و چه بارها و بارها میراث فرهنگی یا محیط زیست دیار خوبان مورد هجوم قرار گرفت و صد افسوس که هیچ کس هم پاسخگوی علاقمندان و دوستداران همدان نبوده و طنز تلخ آن که شنیدیم گفتند اشتباه کردیم و مشابهش را میسازیم اما چه سود .

برخی دوستان رسانه ای مستقل که در فضای عملگرایی دفاع از تاریخ و هویت دیار پاکان و خوبان همدان زیبا همواره پیشگام بودند باز هم نوشتند عمارت دیگری در خطر است عمارت نورمهال، جایی که دوباره شاید به اشتباه سقف هویت شهرمان با بیلهای مکانیکی آگنده گوش فرو ریزد . نورمهال جایست که باید نمایشگاه تاریخ گرانسنگ همدان باشد ، نه اینکه فضایی شود برای ساخت و ساز برج باروهای بی روح و اتفاقا همه دغدغه مندانی که در هر حالی نگران این شهر هستند باید پاسخگوی رها بودن آن به حال خودش شوند .

اینها و بسیاری دیگر بهانه ای شد تا هنرمندان دغدغه مند همدانی الاصل با نگاشتن نامه ای هوشیارمان کنند و پس از آن بسیاری فعالین اجتماعی با امضای دو کلمه ای دست یاریشان را به گرمی بفشارند . اما دریغا و دردا امروز اگر در فضای مجازی ترندی از همدان داغ شود و هشتکی کنار اسم شهرمان بخورد می شود هشتک نجات شهر همدان ، هشتک همدان را دریا بید ، هشتک میراث فرهنگی و محیط زیست همدان بازچه نیست ، هشتک برج را در هرکجا می شود ساخت ، هشتک عمارت نورمهال را دریا بیم .





# تلفیق موسیقی و خوشنویسی در دستان هنرمند همدانی

فرهنگ و هنر: استاد و مدرس موسیقی و خوشنویسی می گوید: موسیقی تنها زبانی است که الفبایش کمتر از انگشتان دست و واژگانش بی‌نهایت است و هیچ دروغی در آن نیست. موسیقی زبان مشترک تمام موجودات است.

به گزارش "فردای همدان، با نشستن پای صحبت هنرمندان این مرز و بوم بیشتر با مفهوم این جمله آشنا می‌شویم که هنر نزد ایرانیان است و بس.

این بار پای صحبت های عباس اصفهانی یکی از نخبگان و هنرمندان همدانی نشسته‌ایم تا از هنر و موسیقی برایمان بگوید: موسیقی تنها زبانی است که الفبایش کمتر از انگشتان دست و واژگانش بی‌نهایت است و هیچ دروغی در آن نیست. موسیقی زبان مشترک تمام موجودات است.

موسیقی جنبه‌ای از زندگی است که با عواطف و احساسات سروکار دارد و روح را می‌نوازد. موسیقی ایرانی با شهرت جهانی خود نوازندگان و خوانندگان بنامی دارد و سرگذشت پرماجری را پشت سر گذاشته است.

نقوش و حجاری‌های به‌جا مانده بر دیوارهای غارها و کتیبه‌ها نشان‌دهنده علاقه و ذوق آدمیان از قدیمی‌ترین ایام به هنر موسیقی بوده است.

موسیقی سنتی ایرانی چنان‌که در کتاب‌ها آمده در موسیقی جهان تاثیرگذار بوده است. پایه موسیقی جدید غرب با خط «نت»، طبق اصول و موازینی است که نخستین بار محمد فارابی، دانشمند و موسیقیدان بزرگ ایرانی وضع کرده است. موسیقی ملی ایران، مجموعه‌ای از نواها و آهنگ‌هایی است که در طول قرن‌ها در این سرزمین به‌وجود آمده است و بازتابی از خصوصیات اخلاقی و روحی این مردمان، از کهن‌ترین ایام تا کنون در شرایط مختلف است.

از سویی ظرافت و حالت جذبه خاص موسیقی ایرانی، انسان را به تفکر و رسیدن به جهان غیرمادی راهنمایی می‌کند و از سوی دیگر شور و

ضرب‌آهنگ موجود در موسیقی‌های محلی ایرانی که ریشه در روح باستانی و حماسی ملت بزرگ ایران دارد، انسان را به تلاش، حرکت و جنبش وامی‌دارد.



آواز و موسیقی سنتی ایران را در دوازده مجموعه دسته‌بندی می‌شود. از میان این دوازده مجموعه، هفت مجموعه‌ای که وسعت و استقلال بیشتری دارند، «دستگاه» و پنج مجموعه دیگر را که از دستگاه‌ها منشعب شده‌اند، «آواز» می‌نامند. دستگاه‌ها عبارتند از: شور، ماهور، همایون، سه‌گانه، چهارگانه، نوا و راست پنج‌گانه. پنج آواز نیز شامل: اصفهان، ابوعطا، بیات ترکی، افشاری و دشتی می‌باشد.

که این دوازده مجموعه خود تقسیم به نغمه‌های کوچکتری به نام گوشه می‌شوند که شامل ۴۷۱ گوشه است. مجموعه‌ی این گوشه‌ها تحت عنوان ردیف دستگاهی در آثار استادان بزرگی همچون آقا حسینقلی، میرزا عبدالله، درویش‌خان، ابوالحسن صبا، موسی معروفی و... گردآوری شده است.

موسیقی‌دانان ایرانی، هویت شناخته شده موسیقی ایران هستند. تعداد

افرادی که در شاخه‌های مختلف موسیقی ایرانی تحول ایجاد کرده‌اند به اندازه‌ای زیاد است که حتی ذکر نام همه آنها هم از حوصله این بحث خارج است و اینجا تنها به نام برخی از آنها اشاره می‌کنم:

\_غلامحسین درویش خان: استاد سه‌تار و تار و آغازگر هنر آهنگسازی به معنای امروزی بود. وی تغییراتی در پرده و سیم تار انجام داد.

\_علینقی وزیری: آغازگر حرکت تجدید خواهی در موسیقی ایرانی بود. از اقدامات او می‌توان به تاسیس مدرسه عالی موسیقی و نت‌نگاری خط موسیقی اشاره کرد. ساز تخصصی او تار و سه تار بود و مدت‌ها اداره امور موسیقی را در دست داشت.

وی نیز تغییراتی در پرده‌های تار انجام داد.

\_سید جلال الدین تاج اصفهانی: صاحب سبک و بزرگترین خواننده مکتب اصفهان است.

\_حبیب سماعی: او آخرین بازمانده سنتور نسل قاجار و از تواناترین نوازندگان سنتور در قرن اخیر است.

\_ابوالحسن صبا: بزرگترین نوازنده سه‌تار عصر حاضر و بهترین شاگرد مکتب سه‌تار درویش خان بود. شهرت وی بیشتر به دلیل شخصیت کامل و جامعی است که در موسیقی دارد. او به تنهایی ارکستری از سازهای ایرانی است بسیاری از استادان درجه یک این عصر از شاگردان وی بودند. و لقب استاد الاساتید را نیز به ایشان نسبت داده‌اند.

\_قمرالملوک وزیری: بزرگترین بانوی خواننده قرن گذشته ایران است. آثار باقی مانده از او، از شاهکارهای هنر آواز ایرانی است.

\_روح‌الله خالقی: آهنگساز، نوازنده ویلون، رهبر ارکستر، مولف آثار در زمینه موسیقی و از هنرمندان بزرگ و کم‌نظیر عرصه موسیقی است. او با تالیف کتاب‌هایی در ثبت تاریخ موسیقی کشور بسیار کوشید.

\_حسین تهرانی: او را می‌توان بزرگترین نوازنده تنبک و مکتب‌دار این ساز در دوره معاصر دانست. اولین کنسرت گروهی تنبک در ایران نیز توسط وی اجرا شد.

\_غلامحسین بنان: از محبوب‌ترین خوانندگان دوره خود بود. او شاگرد روح‌الله خالقی و علینقی وزیری بود.

\_جواد معروفی: نخستین پیانیستی است که فن موسیقی غربی را با نواهای موسیقی ایرانی آمیخته است. وی نیز شاگرد علینقی وزیری بود. انوشیروان روحانی از جمله شاگردان اوست.

\_محمدرضا شجریان: سرآمد نامداران آواز ایرانی است که به خاطر آثارش توانسته از طرف یونسکو جایزه پیکاسو را از آن خود کند. لقب خسرو آواز ایران و استوره شرق، نیز به ایشان اختصاص یافته است.

\_شهرام ناظری: او در سال ۱۹۹۸م.م جایزه بهترین موسیقی عرفانی جهان را در مراکش کسب کرد. و در مهر ۱۳۸۶.ش نیز نشان شوالیه ادب و هنر را از دولت فرانسه دریافت کرد.

« عباس اصفهانی »

پایگاه خبری فردای همدان سعی دارد با معرفی یکی از هنرمندان

معاصر، بخش کوچکی از دیونی که از دنیای هنر بر گردن دارد را ادا کند.

باشد که معرف شایسته‌ای برای این استاد بزرگوار باشیم.

عباس اصفهانی فرزند حسن اصفهانی (که خود از هنرمندان نامی این دیار در رشته عکاسی بود) ۷ آذرماه ۱۳۶۱.ش چشم به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همدان، تحصیلات عالی خود را در شهر یزد گذراند و مدارک کارشناسی هنر و مهندسی برق الکترونیک را از دانشگاه یزد دریافت نمود، و به حرفه‌ی مهندسی و تدریس دانشگاهی مشغول شد. وی همچنین هنر آموخته رشته‌های هنری خوشنویسی، موسیقی، کارشناس و مجموعه‌داری از تارهای نفیس ایرانی است.

اصفهانی پس از اخذ مدارک و جوایز گوناگون در ده‌ها جشنواره ملی و بین‌المللی و برگزاری و حضور در نمایشگاه‌های مختلف و یکی از یازده نفر برگزیده جشنواره هنرهای تجسمی تحت عنوان سفیر هنری ایران جهت برگزاری نمایشگاه عازم امارات شد.

برخی مقام‌های کسب شده توسط او: مقام اول جشنواره هزار و یک بسم الله، مقام اول جشنواره رضوی، مقام اول جشنواره دانشجویان کشور، مقام اول جشنواره دو سالانه پرواز، مقام اول جشنواره الغدیر، مقام اول جشنواره دانشجویی منطقه پنج و... است.

**فردای همدان: از هنر خوشنویسی برایمان بگویید؟**

اصفهانی با اشاره به سخن استاد شجریان که «خوشنویسی، سخت‌ترین هنر تجسمی جهان است»، افزود: ترجیح می‌دهم در فرصتی دیگر و به طور مشروع در این باره سخن بگویم. سخن بسیار است و مجال گفتگو اندک و همین‌قدر بگویم که بزرگترین عیب این هنر کمال آن و کمال این هنر بزرگترین عیب آن است چراکه درک آن برای غیر اهل فن بسیار دشوار است.

از آن جهت که همه شناخت و فضای ذهنی کاملی از خوشنویسی ندارند و شاخصی برای تشخیص نکته‌ها، ظرافت‌ها و کاستی‌های یک اثر خوب، متوسط

و یا ضعیف را در ذهن ندارند.

حال آنکه در مقایسه با موسیقی که می‌توان گفت درست مطلق است متوجه خلط و ناملایمی یک اثر میشوند و می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند.



فردای همدان: خوشنویسی را از چه سالی و چگونه شروع کردید؟

قریب به بیست سال پیش، خوشنویسی را شروع کردم که داستان علاقه من به آن نیز جالب است. ما در همسایگی دوستی به نام (استاد حبیب افغانیان) داشتیم که از هنر آموختگان خوشنویسی روانشاد، (استاد حسن دانشور همدانی) بود و من در ارتباط با ایشان و تماشای هنرش علاقمند این هنر پررمز و راز و بصری شدم و با راهنمایی‌های استادانه ایشان، مجدانه آن را دنبال کردم. بصری از آن جهت که هم زیبایی خط نستعلیق که عروس خط‌های جهان محسوب می‌شود و هم نگاه کردن به داستان خوشنویس حین کتابت، از جذابیت و لذت فوق العاده‌ای برخوردار است که آدمی با تماشای داستان خوشنویس در هنگام کتابت، لذتی مضاعف را تجربه می‌کند.

پس از روزها تماشای داستان هنرمندشان، روزی از ایشان درخواست کردم که «خوشنویسی را به من بیاموزید» که این بزرگوار با روی گشاده مرا به شاگردی پذیرفت.

اولین سرمشق، (اول دفتر به نام ایزد دانا) بود که هنوز هم آن را به عنوان اولین سرمشق، تابلو کرده و در منزل نگهداری می‌کنم.

به علت ناتوانیم در رعایت اندازه‌ها و ظرافتها، در نهایت با تقلب و کپی از روی خط استاد، شروع به نوشتن سرمشق‌ها کردم و هر روز با تشویق‌های ایشان روبه‌رو می‌شدم.

چند جلسه‌ای گذشت، تا اینکه روزی به سختی به این موضوع اقرار کردم و گفتم «می‌خواهم به نکته‌ای اعتراف کنم، من این سرمشق‌ها را کپی می‌کنم» در کمال ناباوری استاد شروع به تشویق من کردند و فرمودند «اولین شرط پیشرفت و موفقیت تقلب و تقلید است، خلاقیت در کار ستودنی است، شما بسیار مستعد و باهوش هستی» و بسیار مرا به ادامه این کار تشویق کردند.

بعد از گذشت حدود یک ماه، روزی استاد فرمودند «شما در خوشنویسی بسیار با استعدادی» و با فروتنی بسیار ادامه دادند که «بهتر است با تحصیل و تلمذ در حضور استادی که به طور حرفه‌ای و تخصصی این هنر را دنبال می‌کند، ادامه مسیر دهی که منجر به رشد صحیح و علمیات شود»

وی در واقع سر رشته‌ی کار را به من داد، ایشان استعداد مرا کشف و در نهایت فروتنی مرا به درستی راهنمایی کردند، و من همیشه



موفقیتم را مرهون راهنمایی استادانه و فروتنانه‌ی این بزرگوار هستم و صمیمانه آرزوی سعادت و سلامت برایشان دارم.

پدرم هم با هنر خوشنویسی و شعر نیز آشنا بود، قلم‌هایم را می‌تراشیدند و مرا بسیار به ادامه این مسیر تشویق و نصیحت می‌نمودند.

با گذشت زمان با تحصیل در محضر استادان « جواد مومنی، اعظم اسلامی‌خواه، عطاء الله سرمدی، محمود بختیاری، کرمعلی شیرازی و...» به قول معروف وارد مسیر شدم.

**فردای همدان: انجام فعالیت‌های هنری چه تاثیراتی در زندگی شما داشت؟**

به طور کلی هنر تاثیرات مثبتی در تمام زمینه‌های زندگی بر انسان دارد خصوصاً خوشنویسی که به شدت در شناخت تشخیص ابعاد، ذهن دارد و فضای انتزاع را به طور شگرفی تقویت می‌کند. به طوری که یک خوشنویس به خوبی قادر به تشخیص ابعاد و اندازه‌ها است.

یکی از نمونه‌های این تاثیرات در من، شناخت قالبها، الگوهای مختلف تار و ابعاد آن و همینطور جمع‌آوری مجموعه‌ای از تارهای اصیل ساخت دست استادان قدیم و جدید است.



فردای همدان: از چند سالگی موسیقی را آغاز کردید؟ مشوق شما چه کسی بود؟

قبل از بیست سالگیام بود که وارد دنیای موسیقی شدم، من در موسیقی مشوقی نداشتم و علاقه به این هنر به طور خود جوش در من پدیدار شد. با سنتور شروع کردم و اولین آهنگی هم که نواختم « الهی ناز» بود.

برای آموزش سنتور در محضر استادان « جمشید منطقی، علی کلاهیچیان، استاد رضا شفیعیان» بودم، اما در تمام مدتی که ساز سنتور را آموزش میدیدم علاقه‌ی عجیبی به صدای تار داشتم و تمام خلوتم با صدای تار سپری میشد ( هنگام کتابت خط و...)

با گذشت زمان متوجه شدم تمام ابعاد فکرم متوجهی صدای تار است، تمام جمله‌بندی‌های موسیقایی ذهنم با صدای تار شکل می‌گرفت.

## فردای همدان: از چه زمانی تصمیم به نواختن تار گرفتید؟

یکی از روزها قطعه‌ای را شنیدم که مرا بسیار تحت تاثیر جذبه و زیبایی خود قرار داد، پیش درآمدی در آواز ابوعطا با ساز استاد فرهنگ شریف. این قطعه تاثیرات شگرف و عمیقی در من گذاشت که بیش از هزاران بار آنرا گوش دادم حتی اگر روزی بگویند فرصت کمی از زندگی‌ام باقی است ترجیح می‌دهم آن لحظات را با گوش فرا دادن به آن قطعه به پایان برسانم.

نغمه ساز بی بدیل با آن پنجه ی نکیسایی (استاد فرهنگ شریف) ضربه نهایی را در دنیای موسیقی به من زد، و پس از آن در محضر استادان تارنواز «مرتضی فطری، حمید خبازی، زیدالله طلوعی و سیاوش دیهیمی» کسب فیض نمودم.

میانه خوبی هم در نوازندگی و ارتباط با ساز باستانی و مقامی تنبور داشته و دارم. و چند اجرای صحنه‌ای و کنسرت نیز با تنبور داشتم.

## فردای همدان: آرزوی خود، در دنیای موسیقی را بگویید؟

آرزو که زیاد است ولی یکی از آرزوهایم دیدن استاد فرهنگ شریف و استاد شجریان بود که به آن رسیده‌ام.

## فردای همدان: از موسیقی برایمان بگویید؟

موسیقی، بر گرفته از کلمه‌ی «Muse» الهه‌ی شعر و هنرهای زیبایی یونانی است، که این الهه ۹ دختر داشت که هر کدام آفریدگار علوم و

فنون مختلف مانند شعر، ترانه، ادب و... بودند و به آنها «موزیوس» گفته می‌شد.

اما ایرانیان معتقدند که واژه موسیقی از نام پرنده‌ای به نام «قنوس یا موسیقار» گرفته شده است.

جمله‌ای منسوب به بوعلی سینا است که می‌گوید «موسیقی کلام خداست که در لحظه‌ها جاریست» و من از ته قلب این حس را نسبت به موسیقی دارم.

### فردای همدان: از نت‌ها هم بگویند؟

نت اول Do :

دومینس = هفت شهر عشق است

یعنی خدایی که در بشر متجلی شد ، و حضور خداوند است در بشر

نت دوم Re :

رجاینا = ملکه ، خلیفه ، ملکه پادشاه ، و ماه یعنی جان‌نشین خورشید .

نت سوم Mi :

مایکروکازم = جهان آراسته

خائوس یا کائوس یعنی پریشانی که کازموس شده یعنی آراسته شده ، یعنی از یک هارمونی آسمانی این طبیعت بدنیا آمد ..

یعنی طبیعت در زیر اتم‌هایی که همدیگر را خنثی می‌کردند شکل گرفت ، یعنی در ابتدا خائوس یا کائوس، یعنی در پریشانی بودند.

در این جا صدای mi از آسمان آمد و همه سر جایشان رفتند..

نت چهارم Fa :

فیتس نی تس = سرنوشت

یعنی سرنوشت انسان را در دست ( پلاتونها ) سیارات می دانستند .

نت پنجم Sol :

تیپاسول = خورشید

یعنی روشنایی و پاراسل یعنی ضد خورشید.

نت شش ام La :

کویلا یکتا = راه شیری

یعنی کهکشان راه شیری که خورشید ما هم در آن سهم است

نت هفتم Si :

سای دیوال = کهکشان

منظور کل کهکشان های دیگر که راه شیری و کوارترها و کهکشان های خوشه ای هم در آن هستند.

و دوباره برمگردیم به شروع اکتاو دوم یعنی D0 بعدی

نت برگشت D0 : دومینس

یعنی برگشت دوباره انسان به خدا، آن (دو)ی اولی پیوستگی خدا با انسان است و (دو)ی دوم پیوند انسان با خداست ، همان رسیدن انسان

به کمال حقیقی ..

باخ "آهنگساز" بزرگ المانی در جواب اینکه چرا موسیقی را انتخاب کرد گفته است: "موسیقی را فرا گرفتم تا خودم به بهشت بروم و در ضمن بقیه مردم را نیز با خود ببرم.."

همه ما انسانها به عاشق بودن و عشق ورزیدن..

مهر و مهربانی کردند..

به اوج کمال و عرفان رسیدن..

و به آرامش و ایمان...دعوت هستیم..

### **فردای همدان: نوازندگی برای شما چه لذتی دارد؟**

همه ما انسانها احساسات بسیاری در درون خود داریم که نیاز است آن را به دنیای پیرامون خود منتقل کنیم و همچنین گاهی نیازمند دریافت آنها از منابعی دیگر هستیم.

بسیاری از احساسات و عواطف درونی ما با زبان و نوشتن و حتی شعر نیز قابل بیان نیست، موسیقی زبان بیان همه احساسات است.

به نظر من موسیقی عالی‌ترین نوع احساس و تجربه لذت است.

اصفهان با تاکید بر اینکه موسیقی انتزاعی‌ترین نوع هنر است افزود: وقتی از یک مجموعه نقاشی، خوشنویسی و یا حتی یک منظره زیبا در دل طبیعت دیدن می‌کنید برای تکمیل لذت و پر کردن فضای خالی، میشود از موسیقی استفاده کرد اما هنگام گوش کردن به یک قطعه فاخر موسیقایی فقط تصور، تفکر و تعمق در آن روح را ارضا می‌کند.



### **فردای همدان: نوازندگی چه حسی به شما می دهد؟**

بینید شما حتما در تجربه‌های مختلف زندگی از دست دادن‌ها و بدست آوردن‌های زیادی را در ابعاد مختلف تجربه کرده‌اید و به این تجربه و اطمینان رسیده‌اید که همیشه نمی‌توان از دست داد یا بدست آورد در مواقعی این شما هستید که حسی را به بیرون انتقال می‌دهید و دنیا را از حس درون خود آگاه می‌کنید و بالعکس. به نظر من، موسیقی و نوازندگی تنها ابزاری هستند که به خوبی این داد و ستد ریتمیک را انجام می‌دهند.

### **فردای همدان: در مورد نوازندگی و لذت گوش کردن به موسیقی بگویید؟**

زمانیکه با موسیقی احساسات مختلف و منحصر به فردی انتقال می‌دهیم و یا این احساسات را از دیگران یا طبیعت دریافت می‌کنیم به طرز کامل‌تر و شگفت‌انگیزتری در حال پر و خالی شدن یا همان تبادل احساسات هستیم. نکته قابل توجه این است که همین پر و خالی شدن یک

«ریتم» دارد و مهمترین دلیل لذت ما از شنیدن یا اجرای موسیقی همین تبادل احساسات است.

### **فردای همدان: نظر خود را در مورد نوع موسیقی بیان کنید؟**

در موسیقی هر دو نیمکره راست و چپ مغز درگیر فعالیتهای ذهنی میشوند برخی از انواع موسیقی به انسان آرامش، برخی نشاط و هیجان و حتی برخی از آنها مسبب ایجاد خشم و عصبانیت میشوند. ما نسبت به نوع موسیقی اثر مثبت و منفی دریافت می‌کنیم.

در تحقیقی که توسط دانشمندان در یکی از دانشگاه‌های آمریکا شده بود بیان شد: که موسیقی‌های ملایم مانند موسیقی کلاسیک اثربخشی بهتری بر روی بدن دارند و باعث افزایش (اندروفین) در بدن میشوند و همچنین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه گوش کردن به موسیقی اثری معادل یک دوز قرص والیوم دارد.

### **فردای همدان: از موسیقی درمانی بگویید؟**

موسیقی درمانی یا موسیقی تراپی روشی است با هدف حفظ، تقویت و بازیابی سلامت جسم و روان که از بار عاطفی و هیجان اصوات موسیقی استفاده می‌نماید.

موسیقی درمانی، یک درمان مکملی است. یعنی یک درمان جایگزین و یا ترکیبی با درمانهای پزشکی است و تنها نمیتوان برای درمان تکیه بر موسیقی درمانی کرد.

انسانها از طریق موسیقی، خود را ابراز می‌کنند، یافتن خاطرات جدید، آرام کردن ذهن و بدن از طرق ریتم بهتر صورت می‌گیرد.

موسیقی درمانی گاهی با حرکات جنبشی مانند: حرکات موزون نیز ترکیب شده است.



ریتم و نوای موسیقی باعث تحریک و آرامش انسان می‌شود و نهایتاً در بهبود جسم و روح تاثیرات مثبت فراوان دارد.

### **فردای همدان: موسیقی درمانی چه قدمتی دارد؟**

ابتدایی‌ترین زمان استفاده از موسیقی به عنوان روشی برای تأمین سلامت جسم و روان، به گذشته‌های بسیار دور بازمی‌گردد. هنگامیکه بدوی‌ترین اقوام و قبایل در مراسم مختلف از موسیقی برای رفع اشرار و بلاها استفاده می‌کردند. و بطور کل در تمام مناسک مذهبی، نیایشها، آئین‌های درمان، جشن‌ها، و مراسم اجتماعی بکار می‌رفته.

بعد از آن دوران هم توجه بسیاری از فلاسفه و بزرگان نیز بر تاثیرات مثبت موسیقی بر روی انسان جلب شده، بطوریکه افلاطون می‌گوید «اگر فرد دیوانه‌ای را به من بدهند، با استفاده از موسیقی از او فردی عالم، سخنور، ادیب، شاعر، جنگجو یا هرچه که بخواهند می‌سازم»

### **فردای همدان: چه توصیه‌ای برای گوش دادن به موسیقی دارید؟**

هیچکس نمی‌تواند برای اشخاص دیگر نسخه تجویز کند تا بر اساس آن موسیقی گوش کند بلکه لازم است آدمی همانطور که برای آگاهی خود جایگاهی قائل است با شناخت مختصر از عالم موسیقی، نوازندگان و خوانندگان نوعی از موسیقی که شایستگی گوش دادن است را به خورد ذهن دهد.

وی اظهار امیدواری کرد و گفت: امیدوارم همه، خصوصاً جوان‌ترها که بیشتر به شنیدن انواع موسیقی تمایل دارند با درک صحیح و علمی از سبکهای گوناگون، بنا به علایق خود بهترین نوع موسیقی را گوش داده و بهترین خوراک شنیداری روحی را برای خود فراهم کنند.

گفتنی است: این استاد توانا، داری مجموعه‌ای نفیس از تارهای اصیل و ممتاز ایرانی شامل ساخته‌های اساتید هوانس آبکاریان (یحیی)، خاجیک، ملکوم دانیال، هامبورسان، جعفر صنعت، شاهرخ رمضان و... می‌باشد که قدمت برخی از آنها به بیش از ۱۵۰ سال می‌رسد.

بنابراین گزارش، نبوغ پنهان در کوچه پس کوچه‌های این شهر را باید شناخت. استعدادهای ناب در هنر و موسیقی که عدم توجه سبب تنهایی آنهاست، در این سرزمین کهن کم نیستند هنرمندانی که در کنجی، هنری می‌پرورند.

گزارش از: مهسا جعفری



## نقش مدیریت در برنامه‌ریزی شهری بر رفاه و کیفیت محیط زیست

برای تحقق هدف ایجاد یک شهر قابل سکونت، مجموعه گسترده‌ای از نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی باید برطرف گردند. دیدگاه‌های اجتماعی نظیر شغل، تحصیل، و ایمنی اخیراً در راستای تعیین شاخصهای سکونتپذیری شهری مورد توجه قرار گرفته‌اند. به علاوه، ابعاد زیستمحیطی نظیر هوای پاک، محله آرام و ساکت، مناظر خیابانی جذاب و فضای سبز در مجاورت محل زندگی از اهمیت روزافزونی

برخوردار میگردند.

میزان و کیفیت فضاهای سبز بر الگوهای فعالیت شهروندان، حالت و تکرار تفریحات روزمره، نحوه دستیابی به اطلاعات درباره محیط زیست، و فرصت استراحت و مقابله با استرسهای روزمره تاثیر میگذارد. وجود مناطق طبیعی در قالب خدمات اکولوژیکی و زیستمحیطی به کیفیت زندگی کمک می کند.

کارشناسان کیفیت زیستمحیطی نقش مهمی در تامین ابزارهایی ایفا می کنند که قادرند پیامدهای کیفیت زیست محیطی در زمانهای آینده را سنجیده و مورد مقایسه قرار دهند. مفاهیمی نظیر سکونت پذیری، کیفیت زندگی، محیط زندگی، کیفیت مکان، استنباط و رضایت از سکونتگاه، ارزیابی محیطهای مسکونی و زندگی و پایداری غالباً به عنوان مفاهیم مترادف بکار گرفته میشوند و در واقع یکدیگر را همپوشی می کنند - اما گاهی مواقع با یکدیگر در تضادند.

کیفیت خاک مناطق شهری باید مورد ارزیابی قرار بگیرد تا بدین طریق بتوان از خدمات عمومی در راستای مدیریت مناسب کیفیت زیستمحیطی پشتیبانی به عمل آورد. برنامه ریزان همچنین باید تصمیمات خویش را با طرحهای شهری پایداریتر سازگار کنند. مطالعات نشان داده از هر پنج شهروند اروپایی چهار نفر در مناطق شهری زندگی میکنند و قالب شهری - نظیر تراکم یا فشردگی شهرها - بر زندگی روزمره تاثیر گذاشته و یک عامل مهم در ارتباط با کیفیت زندگی و اثرات زیستمحیطی به شمار می رود.

انجام یک مطالعه میان رشته ای بر روی قالب شهری از جمله مقیاس سنجش مناظر، عوامل اجتماعی - اقتصادی، وساختارهای حاکمیتی در کنار یک آنالیز تاریخی به میزان زیادی بر درک و شناخت از قالب شهری نوظهور خواهد افزود.

نظارت بر توسعه شهری در راستای کسب اطمینان از این موضوع که شهرها در آینده پایدارپذیر هستند یک لازمه قطعی است. پشتیبانی از فرآیند تصمیم‌گیری در این حوزه نیازمند اطلاعات فضایی جهت پیش‌بینی روندهای توسعه شهری است.

آنالیز عواملی که قدم زدن در محیطهای شهری را حالت می‌دهند یک وظیفه مهم دیگر فرآیند برنامه‌ریزی شهری است. مناظر به طور کلی نقش مهمی در تشویق عابران به تحرك ایفا میکند. میزان تکرار عبور و مرور عابران پیاده در خیابانها به عنوان کارکرد دسترسی‌پذیری و اولویت منظرها به کمک یک چارچوب مفهومی مورد آنالیز قرار گرفته است.

قابلیت به نمایش گذاشتن سناریوهای رشد شهری به گونه‌ای که سیاستهای عمومی گوناگون را بازتاب داده و تاثیرات نسبی آن بر روی منابع طبیعی قابل‌ارزیابی باشد به طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است به علاوه، ابزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی نظیر اسپیس سینتاکس را میتوان در راستای مشاهده جریان‌ات در فضای عمومی شهری و قضاوت در مورد دسترس‌پذیری مناطق سبز شهری و آب‌بکار گرفت.

کیفیت محیط زیست شهری به عنوان فضای زندگی مردم دنیا از جمله دغدغه‌های اولیه محققان دانشگاهی، سیاستگذاران، و شهروندان به شمار می‌رود. نگرانی‌های فزاینده درباره ماهیت و گستره تقسیمات اجتماعی - فضایی در ارتباط با کیفیت زیست محیطی و رفاه انسانی باعث گردیده‌اند تا پژوهشهای بین‌المللی بر روی مشکلات زندگی در شهرهای معاصر متمرکز گردند.

شناسایی ویژگی‌های کمیت‌پذیر مناظر که بر سلامت تاثیر می‌گذارند یکی از فاکتورهای مهم است که کمک میکند تا طراحی مناظر آتی برای سلامت انسان مفید و سودمند باشد.

توسعه پایدار نیازمند آن است که پروژه های توسعه در راستای ایجاد تفریحگاه منجر به از بین رفتن منابع طبیعی نشوند. اطلاعات و دانش درباره اهمیت محیط بیرونی در سلامت و رفاه ما به سرعت افزایش پیدا کرده اند. سرمایه گذاری در زمینه ایجاد جنگلهای شهری با هدف ارتقای سلامت و رفاه میتوانند بخش مهمی از تصمیمات راهبردی در فرآیند برنامه ریزی فضایی باشند. توسعه و تامین مالی جنگلهای شهری و فضای سبز جدید باید بخشی از طرح کلی توسعه باشد. این مساله از اهمیت و جذابیت جهانی برخوردار است، زیرا بسیاری از کشورها به سرعت به سمت شهرنشینی در حرکت هستند و ایجاد فضای سبز و جنگلهای شهری نقش مهمی در فرآیند ارتقای کیفیت زندگی و کیفیت زیست محیطی ایفا می کند.

در صورت آب رفتن شهرها، از کشاورزی شهری میتوان به عنوان سیاستی جهت افزایش کیفیت زندگی بقیه جمعیت بهره گرفت. از نظر بسیاری از مردم خلوت و تنهایی اصلی ترین ویژگیهای مناظر طبیعی به ویژه مناطق جنگلی در راستای رهایی از خستگی و استرس به شمار می روند.

پژوهش ها نشان میدهند که میان برداشت حسی از محیط های طبیعی و سلامت انسان رابطه وجود دارد. فضای سبز شهری را میتوان از مولفه های مهم سلامت روانی عموم مردم دانست. با توجه به رشد سریع جمعیت و مشکلات ناشی از آن زندگی انسانها دچار تغییر و تحولاتی بنیادین شده است که اگر تمهیدات لازم و چاره اندیشی های اصولی و اساسی تجویز نشود ممکن است که انسانها دچار بیماریهای روحی و روانی شوند و آرامش و نشاط از زندگی انسانها رخت بربندد پس لازم است که در طراحی های شهری و کاربری های مناسب زمین که می تواند آرامش و نشاط را برای شهر به ارمغان آورد دقت و توجه بیشتری شود و در ساماندهی کاربری ها و طراحی های شهری به شیوه ای عمل شود که تا سر حد امکان بتوان بستر مناسبی را برای زندگی انسانها فراهم آورد چرا که با وجود مشکلات و دغدغه های بسیار زندگی در قرن حاضر زندگی انسان در کاربریها و طراحی های شهری نامناسب موجود با خطر مواجه شده و انسانها دچار بیماری روحی و روانی و افسردگی می شوند .

شهر عالی ترین مکان تجمع زیستی انسان از آغاز تاکنون بوده است.

روی آوردن بشر به زندگی شهری نیز از مهم ترین مقاطع تاریخ بشریت است. از این مرحله به عنوان آغاز تمدن یاد می کنند. بی تردید از همان لحظات پیدایش شهرنشینی، طراحی و زیبایی آن نیز مطرح بوده است. هدف از طراحی و زیبایی شهری بهبودبخشی به شرایط زندگی و رفع نیازهای ساکنین شهر در آبادی های ساخته بشر است. بنا به گفته دیموند، «شهرها کاملترین اشکال ممکن آبادی انسانی اند». آنها آدمی را در وصول به نقطه اعلاي فرهنگ یاری رسانده و درپناه دیوارهای خود محیطی مناسب را برای پرورش اصیل ترین دستاوردهای علمی و هنری فراهم آورده اند.

این فرایند عملکردیست روانی که به احراز هویت بستگی تام داشته و دربرگیرنده احساس تعلق و دل بستگی می باشد بدین ترتیب سکونت گزینی را باید امری ناشی از هدف دانست. در طراحی های شهری و ساماندهی کاربری ها، طراح و گروه طراحان باید بسیار ظریف و با حساسیت ویژه ای عمل نمایند و سعی و تلاش آنها ایجاد و خلق محیط های زیبا، امن و مناسب و جذاب برای آرامش و نشاط انسانها باشند چرا که انسانهایی که چرخ توسعه و پیشرفت جوامع را به حرکت در می آورند در همان محیط ها به آرامش و نشاط دست می یابند.

. با توجه به تعریف کاربری زمین که عبارت است از بررسی نوع استفاده از زمین به نسبت انواع فعالیت های مختلف اعم از بهداشتی، درمانی، مسکونی، اداری و تجاری که توضیح در باره هر یک از آنها مجال این بحث نبود طراحان تشبیه به بازی گران یک بازی شطرنج باید عمل کنند و تا سر حد امکان سعی نمایند که هر مهره ( هر نوع کاربری به یک مهره شطرنج تشبیه شده است ) را در بهترین مکان مناسب جای دهند و در یک تشبیه دیگر می توان مجمع کاربری ها را به یک پازل در هم ریخته نشان داد که سعی طراحان قراردادن هر یک از آنها در جای خودشان می باشد. در اینجا لازم است که درایت و تخصص نیز به عنوان چاشنی اضافه شود و طراحان به شیوه ای عمل نمایند که بتوانند کاربریها و طراحی های سازگار و موافق و کاربریها و طراحی های ناسازگار و نا موافق هم را درست از هم تشخیص دهد و سعی نماید که در طراحی های شهری و ساماندهی کاربری ها، ترکیب درست و منطقی را بچیند به طوری که بیشترین بهره برداری را داشته باشد. و گروه طراحان ( معماران، شهر سازان، برنامه ریزان اقتصاد دانان،

جغرافی دانان، جامعه شناس و...) مطالعات کامل و جامعی از تمامی جوانب از جمله زیر ساختی(حمل و نقل و دسترسی، ارتباطات و ...) زیست محیطی را انجام دهند. به عنوان مثال در طراحی و تعیین کاربری های آموزشی و مسکونی توجه به مسیر عبور دانش آموزان و تسلط نداشتن ا مکان آموزشی بر مکانهای مسکونی را بنمایند و رعایت حد فاصل مجاز و استاندارد این دو مکان را از همدیگر بنمایند.

یادداشت از: حمید بادامی نجات، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های شورای اسلامی شهر همدان

منابع:

1. حسین زاده دلیر، کریم، ( 377 ، تکنیک و اصول برنامه ریزی شهری، جزوه درسی کارشناسی برنامه ریزی)

2. سیف الدینی فرانک، (1386 روند شهرنشینی، مساله شهرهای بزرگ، مجله پژوهشهای شهری، دانشگاه) تبریز. 3. رضویان، محمد تقی، ( 1381 ، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی، تهران)



## پاسی که پاس کاری دلایها شد

تیم پاس همدان در 28 بهمن ماه 96 و در هفته پایانی دور مقدماتی لیگ دسته دوم کشور با شکست دو بر صفر مقابل شهرداری بم به لیگ دسته سوم کشور سقوط کرد تا شاهد زمین خوردن و مرگ قهرمان آسیا باشیم.

پیشنهاد انتقال باشگاه پاس به همدان با توجه به ارتباطات حسنه‌ای که بین بهروز مرادی استاندار وقت همدان و سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی وجود داشت، از طریق دکتر مرادی داده شد و با پیگیری وی این تیم با قدمتی 60 ساله به شهر همدان انتقال پیدا کرد.

تیم پاس تهران از سال 1386 دیگر پاس همدان شد و جوش و خروشی را در بین جوانان و هواداران فوتبال دوست در همدان ایجاد کرد تا جایی که هنگام مسابقات در استادیوم همدان جایی برای سوزن انداختن نبود اما در آن زمان کسی نمی‌دانست که نبود زیرساخت‌های مناسب و سوء مدیریت، این تیم را اندک اندک به ورطه نابودی می‌کشاند و دیگر نام و نشانی از آن باقی نمی‌ماند.

تیم پاسی که در ۱۳ فروردین ۱۳۷۲ موفق شده بود در دوحه قطر با شکست حریف اماراتی خود، جام قهرمانی آسیا را برای اولین بار بالای سر ببرد و بر سر زبان‌ها باشد و نام آن در قلب‌ها حک شود، طی 10 سالی که در همدان بود مانند دندانی شد که هر روز به دلیل عدم رسیدگی رو به پوسیدگی نهاد و در بین پاس‌کاری‌های دلال‌ها رو به نابودی رفت. به گونه‌ای که سال‌های اخیر مدیرعاملانی سکان هدایت پاس را به دست گرفتند که سر رشته‌ای از فوتبال نداشتند و با هزینه‌های بازیکنان لیگ برتری، بازیکن‌های لیگ‌های دسته پایین‌تر و بازیکنانی که بازی آنها در حد فوتبال محلات بود به تیم جذب کردند تا پاس را نابود کنند.

البته درست است که می‌گویند فوتبال مرز ندارد و بازیکن بومی و غیر بومی نمی‌شناسد اما بودجه تیم پاس همدان را بازیکنان غیر بومی و بی‌تعصب نسبت به این تیم بردند که حتی پاس و برد این تیم برایشان اهمیتی نداشت اما در همدان بودند و هستند بازیکنان بومی خوبی که هم اکنون در لیگ برتر بازی می‌کنند و حتی در تیم شهرداری همدان با جان و دل برای اعتلای نام همدان در مستطیل سبز پا به توپ می‌شوند. این نمونه بارزی هست از آنچه گفتم. باید گفت تیم پاس



همدان به دلیل ناکارآمدی مدیرعاملانی که داشت نابود شد اما اگر می‌خواهیم نام این تیم از تاریخ فوتبال ایران محو نشود باید پاس را به تهران بازگردانیم تا خون تازه‌ای در آن به جریان افتد و به تیم شهرداری همدان که با قدرت در لیگ دسته دو حاضر شده است توجه کنیم تا همدان نیز با داشتن نیروهای بومی در عرصه فوتبال کشور خوش بدرخشد چراکه زیرساخت‌های استان همدان برای داشتن دو تیم کافی نیست.

گفتنی است؛ تیم پاس در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ و در هفته پایانی دهمین دوره مسابقات فوتبال دسته برتر ایران جام خلیج فارس به مسابقات فوتبال دسته اول باشگاه‌های ایران جام آزادگان سقوط کرد و در ۲۸ بهمن ماه نیز پازل ناکامی‌هایش کامل شد و به لیگ دسته سه کشور سقوط کرد.

آری تیم پاس همدان از ۱۰ سال پیش به سوی اضمحلال پیش رفت و حیف و صد حیف که کسی باور نداشت که باید به داد این تیم رسید.

**یادداشت از: مهری درویش قنبر**



# در عرصه مدیریت هرچه کنی کشت همان بدروی

پاس حذف شد تا يك بار ديگر بفهميم آمايش و خطا در مديريت امروز جايي ندارد نمیتوان گندم کاشت به امید رویدن زعفران.

پاس حذف شد تا بدانیم راه های رفته را دوباره نباید رفت آنجا که بیراهه است رفتن ندارد.

حذف شد تا دوباره عده ای تعجب کنند و بپرسند چرا حذف شد در حالی که اگر چنین نمی شد می بایست تعجب می کردیم.

پرسش پرسیدنی امروز این است که چرا نباید حذف می شد؟ و اصولاً از زمان انتقال بدون داشتن زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری تا کنون کدام پیشرفت باعث می شود باور کنیم سیر نزولی تیم باید به سیری صعودی تبدیل می شد؟

تیمی که سال اول برای قهرمانی می جنگید سال بعد برای عدم سقوط به دسته يك تلاش می کرد و همواره در انتهای فصل محتاج دعا می شد که خدایا ما ببریم و تیم الف ببازد و تیم ب مساوی کند و صد اما و اگر و دعای دیگر انگار که خدا فقط خدای ماست و تیم حریف نباید به رحمتش امیدوار باشد.

شاید تمامی دلایل این اتفاق به ظاهر تراژیک و انشالا نوید بخش را بتوان در يك کلام خلاصه کرد به "سوء مدیریت" آنهم از بعد ورزشی که متأسفانه امروزه در جای جای ورزش ما خصوصاً ورزش های گروهی آن هم در سطح حرفه ای به چشم می خورد.

مگر مي شود مدیریت قوي باشد و هر فصل يك يا چند پرونده و جریمه و چه و چه براي يك تیم رقم بخورد.

مگر مي شود ادعای مدیریت قوي داشت و همه ساله ترکیب مسئولین و متولیان يك تیم را به هم زد و دنبال نتیجه گیری بود.

و مگر با آرزو و خیال مي توان تیم داری کرد.

آیا با تهدید مدیر به برکناری پیکر تیم دچار عذاب وجدان شده و فوراً در مسیر تغییر و تحول مثبت قرار مي گیرد.

مگر با شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت دیگر کسی مي ماند که در انتهای فصل یا دوره بیاید و بگوید که چه شد که باغ سرسبزی را با بی درایتی و اهمال به برهوتی خالی از حیات بدل کردیم.

چرا این تیم آمد کسی ندانست و چرا رفت را اما همه دیدیم و نیک مي دانیم که مدیر اگر دلسوز نباشد حتی آن کودک معصوم هوادار هم مي فهمد آنجا که با گریه فریاد مي زند و داد ... نمی خواهیم نمیخواهیم سر مي دهد.

کدامین ثبات در مدیریت و کدامین پذیرش متعصبانه مسئولیت، کدامین پذیرش اشتباه، کدامین عذرخواهی امروز رهاورد این همه کوتاهی در مدیریت تیمی بزرگ و در خور شأن مردمی بزرگتر بود و مي تواند باشد.

کدامین مسئول با تخصص مدیریت ورزشی برای این تیم نقشه کشید و ارائه پیشنهاد آزادانه داد.

کدام بازیکنان را آوردیم که تا پای جان برای تیم بجنگند و مثل يك سرباز جان برکف برای کسب افتخارش ستیز کنند فارغ از سود ها و زیانهای مالی و نامی و ...

آخر سخن اینکه در چنین شرایطی همه مسئولند از بازیکنان و کادر فنی و مربی و مسئول و هیئت مدیره تا هوادار مظلومی که تنها تقصیرش عشق به عکسی بود که روی آب افتاده بود غافل از اینکه تنگنری کوچک تمام امیدها و آرزوهایش را با تلاطم بی درایتی آنها که مسئول بودند برهم خواهد زد.

یادداشت: عباس چشمه قصا بانی

انتهای پیام/



## روز بازار گردشگری و صنایع دستی

نمایشگاه گردشگری و صنایع دستی همدان به خط پایان رسید. نمایشگاهی که می توانست فرصتی باشد برای گردشگری همدان، فرصتی شد برای فروشندگان محترمی که به دعوت بازاریابان سازمان نمایشگاه های استان همدان غرفه ای را اجاره کرده بودند و با شور و شوق دنبال فروش تولیدات خوشمزه خود بودند.

البته این نمایشگاه از صنایع دستی هم بی بهره نبود، غرفه صنایع دستی ساخت کشور دوست و برادر بازار ایران، چین که با حداقل قیمت خیال بازدیدکنندگان را راحت کردند که انگار صنایع دستی ما هم در برابر محصولات چینی جایی ندارند. اما ای کاش نمایشگاه داران خیال خود را راحت می کردند و نام فروشگاه سوغاتی غذایی را بر آن می گذاشتند و حداقل ذهن بیننده را آماده دیدن غرفه های فروش انواع و اقسام خوراکی ها می کردند. اما چه باید کرد؟

نخست باید به تمام این بزرگواران خسته نباشید جانانه ای گفت زیرا برگزاری نمایشگاهی با این کیفیت زحمت بسیاری را می طلبد که حتی در پایتخت کشور هم از عهده آن بر نمی آیند. اما ای کاش برای نمایشگاهی با این عنوان یک نامه چند خطی از سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی همدان به سرتاسر ایران نما بر می شد مبنی بر اینکه همدان میزبان شماست. همچنین می شد برای بخش بین المللی هم همان نما بر را به سفارتخانه های پنجاه کشور ارسال کرد تا در این چند روز نمایشگاه از جای جای ایران و کشورهای مختلف دنیا به همدان بیایند تا در بخشی از نمایشگاه نشستهای جنبی بهره برداری از فرصتهای گردشگری و صنایع دستی شهر و استان همدان برگزار شود. اما حیف و صد حیف که انگار الگوی ما در برگزاری نمایشگاه روزبازارهای سطح شهر هستند نه نمایشگاه های بین المللی. لطفا اگر تصمیم دارید همدان ۲۰۱۸ را این گونه برگزار کنید از همین الان صادقانه اعلام کنید.

یادداشت از: مجیر خضریان



# لوگو در ظاهر؛ پوستر در باطن

از شامگاه دوشنبه 16 بهمن ماه که در اقدام درخور تفکر مراسم رونمایی از لوگوی رویداد همدان 2018 با حضور مسئولین استان و بدون حضور متخصصان و علاقمندان هنری و خبری برگزار شد شاید با کمی ریز بینی می شد پیش بینی کرد که قرار است اتفاقی نادر در این زمینه رخ دهد و این اتفاق نادر، لوگویی بود که به دست آن عزیزان رونمایی و پرده برداری شد و از همان ابتدا حرف و حدیث های زیادی ، خصوصا در فضای مجازی بوجود آورد.

ناگفته پیداست که اگر قرار است در حوزه معرفی هر چه بهتر و بیشتر همدان به عنوان مهد تاریخ و تمدن ایران زمین ، از تمام بضاعت و توان هنری ، فرهنگی و زیبایی شناسی استان ، استفاده شود این بهره گیری را نباید محدود به سلیقه ای خاص با توجیحات خاص تر کرد.

در ذیل رونمایی از لوگوی پیشنهادی به عنوان نماد و نشان رویداد سال آینده همدان ، توضیحات ، انتقادات و توجیحات زیادی را در فضای مجازی مطالعه نمودم از جمله متن توجیحی مربوط به طرح که به روشنی در آن قید گردیده بود این اثر در مدت یک نیم روز و با عجله جهت شرکت در نمایشگاه گردشگری طراحی و آماده سازی گردیده است هرچند در مورد روند این امر و تاخیر غیر قابل قبول در طراحی لوگو و انجام مقدمات کار انتقادات بسیاری وارد است ولی در ادامه بنا دارم تا حد ممکن به صورتی مستند و مستدل در باره طرح مذکور مطالبی را بیان کنم:

در ابتدا به تعریفی که از واژه "لوگو Logo" در لغتنامه آکسفورد ذکر شده است توجه کنیم " یک نماد یا طرح کوچک که توسط یک سازمان تصویب میشود جهت شناسایی محصولات ، پوشاک ، وسایل نقلیه و غیره" اگر این تعریف را مبنا قرار دهیم چند نکته باید در یک لوگو وجود داشته باشد تا از دیدگاه جهانی بتواند استاندارد لازم را کسب کند:

- 1- نمادین باشد
- 2- یک طرح کوچک (و نه گسترده) باشد
- 3- از روی آن بتوان به سادگی محصول یا محل یا خدمتی را شناسایی کرد.

از این رهگذر در توجیح طرح رونمایی شده فعلی باید گفت که مشخصا و از دیدگاه کارشناسانه این طرح نه یک نماد که چندین نماد دارد و در ثانی به هیچ عنوان کوچک و ساده نیست زیرا به صورتی کاملا غیر متمرکز بر واقعیت ها و حقایقی تکیه دارد که نه با یک نگاه و یک تعریف که شاید باید در قالب چندین صفحه مطلب به تعریف و توضیح آن

پرداخت که این موضوع در کمال احترام به عقاید و نظر طراح، در جهان امروز دیگر منسوخ گردیده است و کمتر اثر حرفه ای را می توان یافت که از این تعداد المان و نماد و نشانه در طرح استفاده کرده باشد.

با نگاهی به لوگوی موجود و با شناختی دقیق از تاریخ و جغرافیا و میراث فرهنگی همدان المان ها و نشانه هایی که طراح نیز به آنها اشاره کرده است به شرح ذیل در طرح مشاهده می شود:

- 1- قله الوند به عنوان نماد برجسته طبیعی استان همدان
- 2- خورشید الوند یا هر معنی دیگری که در این قوس های دایره ای رنگی موجود باشد
- 3- نماد آرامگاه بوعلی به نشانه حرف A لاتین در کلمه همدان
- 4- نقشه همدان که شکل و فرم آن در زیر نماد آرامگاه و به عنوان زمینه حرف "A" استفاده شده است
- 5- حروف رنگی واژه انگلیسی همدان به نشانه هفت قلعه تو در توی مادی در پایتخت اولیه ایران
- 6- رقم "0" انگلیسی در عدد 2018 که به نشانه جمع شدن به صورت و شکل یک نماد معرفی شده است
- 7- رنگ های موجود در نماد جمع شدن که نماد های پنج قاره می باشند

8- عبارت لاتین "gather together" که خود نمادی است در دل نماد تجمع و آنهم نماد دیگری است در کل طرح

9- رنگ قالب طرح که بنفش می باشد و به عنوان رنگ سال مطرح است

10- عناوین انگلیسی و فارسی در زیر لوگوی اصلی که مجددا تکرار گردیده است ، به غیر از عناوین فارسی و انگلیسی پایتخت گردشگری حال با عنایت به این همه نماد و نشانه در طرح مذکور (که بنا نداشتم از همه آنها نام ببرم زیرا برخی اوقات بعضی اجزا صرفا به عنوان یک جزء خلاقانه و ایجاد کننده جلوه بصری به طرح اضافه می شوند ولی در اینجا بنا بر اصرار طراح مبنی بر وجود معنی در تک تک اجزاء مجبور به استناد به آنها شدم) این سوال مطرح است که کارکرد لوگو آیا این است که در یک نگاه این همه معنی را به مخاطب انتقال دهد و اصولا با این رویکرد در طراحی چه فرقی را می توان بین این لوگو و یک پوستر متصور شدو در این میان توجه به شعار "سادگی همیشه زیباست" را می توان به صورت وارونه متوجه شد، سادگی ای که امروزه در خیلی از لوگو ها و نماد های جهانی و ملی می توان دید و درک نمود شاید اندک پیچیدگی و نماد های مضاعف را بتوان در مسابقات ورزشی آنهم به لحاظ ماهیت پر انرژی و گستردگی رشته های ورزشی مشاهده نمود و گرنه در چنین برنامه هایی که هدف شناساندن

مکان یا فضایی خاص با عنوانی ویژه است بعضا از طرح هایی ساده با تمرکز بر خصوصیتی برجسته یا نمادی منحصر بفرد استفاده می شود و با زبان هنر در آن معانی مختصر و قابل فهمی را مستتر می کنند تا شاید کشف آنها برای مخاطب اگر در تعداد محدود باشد جذاب و اثر گذار باشد.

زبان هنر در ذات خود نمایاننده حس زیبایی و خلق معانی بدیع و جذاب است که در یک کلام جامع و مانع می باشد و در عین انتقال پیام در ظاهری جذاب و قابل فهم می باید هرچه متمرکز تر و بدور از محاط شدن در مرز های جغرافیایی ، فرهنگی و زبانی خاص شمولیت معنایی برای عموم مخاطبین از هرکشور و فرهنگی دارد.

به عنوان مثال استفاده از شکل نقشه همدان در این طرح که قرار است مختصر و مفید باشد به نظر نگارنده هیچ جایگاه هنری و بصری نخواهد داشت زیرا اولاً از عنوان همدان در لوگو به صورت انگلیسی و فارسی استفاده شده و در ثانی نماد های دیگری از این استان در طرح وجود دارد و در کل استفاده از مرز بندی های جغرافیایی استانی در طرح های این چینی و جهانی به طور کل مناسب به نظر نمیرسد.

استفاده از معانی زنجیره وار و تو در تو نظیر آنچه گفته شد در المان های این طراحی جز افزایش پیچیدگی و جز ایجاد پراکندگی فکری در ذهن مخاطب شاید کارکرد دیگری نداشته باشد استفاده از یک نماد تکراری جهانی و نیز نمادی از آن تکراری تر ( مثلا همان رنگ های پنج قاره و همان نماد جمع شدن در رقم صفر 2018 ) از دید یک مخاطب خارجی یقیناً جز زیاده گویی و تکرار مکررات غیر خلاقانه چیزی نخواهد بود زیرا که خلاقیت بصری بسیار ناچیزی در ایجاد جزئیات به کار رفته است.

نقطه مثبت این اثر شاید قله الوند باشد در عین اینکه به عنوان سمبلی یکتا و بومی با شکلی منحصر به فرد به لحاظ ریشه های تاریخی و فرهنگی خود می توانست تک نشانی قابل قبول برای این طراحی باشد -چراکه در این روزگار جاذبه های اکوتوریستی کم کم در حال رونق گرفتن هستند- اما شباهت خواسته یا ناخواسته طرح آن به بعضی اشکال موجود در فضای مجازی اندکی از ابهت شکل کوه الوند و قله آن کاسته و شکل خفته و کم شباهتی را به کلیت شکل ستیغ الوند بخشیده است .

در پایان باید یادآور شد فارغ از هرگونه بحث زیبایی شناسانه و ترکیب بندی رنگها به نظر نگارنده اجزاء لوگو به لحاظ مفهومی نقطه تمرکز خاصی را در ذهن ایجاد نمی کند زیرا مجموعه این فرم های زیاد می توانند هرگونه اتفاقی را برای بیننده تداعی کند از یک رویداد ورزشی گرفته تا جشنواره ای دانش آموزی و ...



ضمن احترام به صاحب اثر، امید است که متولیان امر در چنین مواردی با دقت نظر و بهره گیری از تجربیات متخصصین این حوزه بتوانند فعالیت ها و آثار ماندگارتری را در عرصه فرهنگ و هنر این خطه از میهن عزیزمان خلق نمایند.

یادداشت: عباس چشمه قصابانی